

امام و استقبال بی نظیر مردم ثبت کردند و این حرکت باشکوه در تاریخ به ثبت رسید.

### «۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۵۷»

امام خمینی (ره) در مدرسه رفاه در مرکز شهر ساکن شد. این مدرسه که همان محل کمیته استقبال از امام خمینی بود، در خیابان ایران قرار داشت و از شمال به خیابان ژاله (شهدا) و از جنوب به خیابان امیر کبیر و گوته از شرق به خیابان شهباز و از غرب به مجلس شورای ملی منتهی می شد. مردم اسم این محدوده را «محله نوفل لوشاتو» گذاشتند.

### «۱۶ بهمن ماه سال ۱۳۵۷»

عصر آن روز امام خمینی (ره) در مصاحبه‌ای مطبوعاتی شرکت کرد. در این مصاحبه ۳۰۰ تن از خبرنگاران ایرانی و خارجی حضور داشتند، برنامه مصاحبه به طور مستقیم از شبکه تلویزیونی مدار بسته روی کانال ۱۰ در اطراف محله اقامت امام خمینی (ره) پخش شد و مردم در اطراف خیابان ایران و حوالی محله اقامت ایشان اجتماع کردند و مصاحبه را تماشا کردند.

امام خمینی (ره) در مصاحبه تاریخی خود دولت جدید را معرفی کرد و از مردم خواست که از دولت موقت پشتیبانی کنند.

### «۱۷ بهمن ماه سال ۱۳۵۷»

صبح روز سه شنبه ۱۷ بهمن ماه، غرش فانتومهای جنگی در آسمان تهران به گوش می رسید. چند فروند هواپیما و هلیکوپتر با نصب مسلسل ها و روشن کردن چراغهای خود در آسمان تهران پرواز کردند. شاهپور بختیار گفت: «دولت موقت را تا وقتی شوخی هست می پذیرم، ولی چنانچه بخواهد به حالت جدی به فعالیت ادامه دهد، آن وقت با آن مقابله خواهیم کرد و امکان ندارد در یک کشور دو دولت وجود داشته باشد.»

مجلس شورای ملی امروز شروع به کار کرد اما حدود چهل نفر از نمایندگان مجلس استعفا داده اند. مجلس دو لایحه تصویب کرد: یکی انحلال سازمان ساواک و دیگری تعقیب و دستگیری امرا و وزرای پیشین که مرتکب خرافه‌های غیر قانونی و مردمی شده بودند.

اردشیر زاهدی که مدام در پی حمله و تزویر و طرح اعمال مذبذبانه برای خاموش کردن آتش انقلاب مردم بود، با توسل به زور خواست در سفارت ایران در آمریکا کارش برگردد و مردم در خیابانها به راه افتادند و علیه شاهپور بختیار و پشتیبانی از مهندس بازرگان شعار می دادند.

### «۱۹ بهمن ماه سال ۱۳۵۷»

در ۱۹ بهمن میلیونها نفر از مرد و زن، پیر و جوان، بزرگ و کوچک به خیابانها ریختند و ندای «بازرگان، نخست وزیر ایران» در سرتاسر ایران به گوش می رسید. مردم بدون ترس از پیشامدها و حوادث احتمالی به خیابانها زدند و به فرمان امام خمینی (ره) نخست وزیر برگزیده اش را چون جان گرامی داشتند و در راه برقراری جمهوری اسلامی به رهبری آیت الله العظمی امام خمینی برای چندمین بار ابراز وحدت و یکپارچگی کردند. راهپیمایی در تهران با نظم خاصی برگزار شد.



گاردی ها با مردم درگیر شدند و صدای رگبار مسلسل ها از همه طرف به گوش رسید.

اعلامیه‌ای از طرف حکومت نظامی تهران منتشر شد مبنی بر اینکه ساعت عبور و مرور از ساعت ۱۱ شب به ۴/۵ بعد از ظهر تغییر کرده است. بلندگوهایی که روی ماشینها نصب شده بود، در کوچه ها و خیابانها به مردم می گفت به اعلامیه حکومت نظامی توجه نکنید و به فرمان امام خمینی از دستورهای حکومت نظامی سرپیچی کنید و به خانه‌های خود نروید.

### «۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷»

شب گذشته (۲۱ بهمن ماه) مردم تهران و سراسر ایران چشم بر هم نگذاشتند. حدود ساعت چهار صبح تانکها به طرف نیروی هوایی یورش بردند. مردم بیدار تهران به طرف تانکها هجوم بردند و با بمبهای دستی و بنزینی که به کوکتل مولوتوف مشهور بود، جلوی پیشروی آنها را گرفتند. آخرین خبری که به مردم تهران رسید، می گفت: نیروهای ارتش از شهرهای دیگر به سوی تهران در حرکتند بنابراین مردم شهرستانی از خانه‌های خود بیرون آمدند و تمام شب در بیابانها و جاده‌ها به کندن خندق و سد راه مشغول شده بودند تا از پیشروی لشکرهای ارتشی به طرف تهران جلوگیری کنند.

آخرین فتوای امام خمینی (ره) صادر شد:

بسمه تعالی

قسم برای حفظ قدرت طاغوتی صحیح نیست و مخالفت با آن واجب است و کسانی که این نحوه قسم خورده‌اند باید برخلاف آن عمل کنند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۳ ربیع الاول ۹۹. روح الله الموسوی الخمينی

به زودی کلاترپیها و پادگانها یکی پس از دیگری تسخیر شدند. مهدی بازرگان نخست وزیر منتخب امام خمینی اعلامیه منع عبور و مرور را که توسط فرمانداری منتشر شده بود، غیرقانونی اعلام کرد و مردم رادیو و تلویزیون را تسخیر کردند و این آخرین دژ طاغوت بود که چون سقوط کرد، نسیم آزادی نیز وزید. گوینده رادیو در آن لحظه تاریخی اعلام کرد: «توجه بفرمایید، توجه بفرمایید، این صدای راستین ملت ایران، صدای انقلاب است» و اشک شوق مردم جاری شد و... انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام به پیروزی رسیده بود.

«این پیروزی، خجسته باد...»

### «۲۱ بهمن ماه سال ۱۳۵۷»

#### «عکسی که خون آفرید»

نبردی خونین و نابرابر بین دو گروه هنرآموزان نیروی هوایی و گارد شاهنشاهی، جوی خون جاری کرد و صدای رگبار مسلسل ها یک لحظه قطع نمی شد. ماجرا از یک عکس سرچشمه گرفت و آن عکسی است که روز پنجشنبه خبرنگاران داخلی و خارجی از رژه و ابراز همبستگی گروهی از افراد نیروی هوایی نسبت به امام خمینی (ره) چاپ و مخابره کردند. روزنامه‌های صبح و عصر بعد از چاپ عکس مزبور مورد هجوم مقامات دولتی قرار گرفتند. شاهپور بختیار چاپ عکس را جعلی و حقه عکاسی دانست و گفت: خائنین می خواهند بین واحدهای ارتش جدایی بیفکنند. در این هنگام گوینده تلویزیون وعده داد که تا چند لحظه دیگر شاهد دیدن تصاویری از بازگشت امام خمینی به ایران خواهید بود. به محض شنیدن نام (امام خمینی)، کارکنان پخش تلویزیون شروع به فرستادن صلوات کردند و با تمام وجود فریادشان را به گوش گاردیها رساندند و برنامه قطع شد. در پادگان نیروی هوایی نیز هنگامی که پرسنل از آژادر حال فرستادن صلوات بودند، لوله بزرگ یک تانک از پشت پنجره به داخل سالن آمد و با صدای رگبار مسلسل و هجوم سربازان گاردی به سالن عده‌ای را کشتند. فریاد الله اکبر، الله اکبر از لابلای درختان تنومند پادگان نیروی هوایی گذشت و با میله‌های آهنین دیوار پادگان برخورد کرد و انعکاس آن در ساعت ۱۰ شب به گوش رهگذران رسید و

